



محقق داماد: اخباری‌گری واکنشی به اجتهاد افراطی است / جرعه اخباری‌گری در حوزه حله زده شد

سیدمصطفی محقق داماد در میزگردی که مجله مهرنامه با حضور غلامحسین ابراهیمی دینانی برگزار کرده ضمن اینکه اخباری‌گری را ذیل نزاع عقل و دین می‌داند ماجرای آن را در تاریخ اجتهاد توضیح می‌دهد.

سیدمصطفی محقق داماد در میزگردی که مجله مهرنامه با حضور غلامحسین ابراهیمی دینانی برگزار کرده ضمن اینکه اخباری‌گری را ذیل نزاع عقل و دین می‌داند ماجرای آن را در تاریخ اجتهاد توضیح می‌دهد. محقق داماد منشأ اخباری‌گری را، پیش از استرآبادی، در حوزه حله و در نوشته‌های سیدابن طاووس جستجو می‌کند. به نظر او اخباری‌گری شیعی واکنشی به جریان اجتهاد افراطی در دوره صفویه است.

به گزارش خبرگزاری مهر، سید مصطفی محقق داماد درباره اخباری‌گری معتقد است: «باید مسأله اخباری‌گری را به طور کلی در نزاع میان قلمرو عقل و دین مطرح کرد. این یک بحث قدیمی است که عقل تا چه اندازه مجاز به دخالت در فهم دین است. البته این بحث قدیمی اختصاص به مذهب تشیع یا جهان اسلام ندارد و در همه ادیان الهی نیز مطرح شده است.»

وی در این باره اضافه می‌کند: «در اصول دین نیز این نزاع در گرفته است که برای شناخت باید به عقل رجوع کرد یا اینکه نقل کفایت می‌کند. به طور کلی در جهان دینی برخی‌ها برای عقل قلمرو وسیعی قائل بوده‌اند و برخی دیگر که در مقابل آن‌ها قرار دارند، معتقدند در فهم فروع و اصول دین باید به منقولات و مسموعات و متن مقدس رجوع کرد. برای مثال در قرن شانزدهم مسیحی، فرانسیس بیکن معتقد بود که ما در دو سطح باید عقل را به کار بگیریم. یکی در تصور و فهم اسرار الهی و دیگری در استنتاج و استخراج دستورات خداوند. بیکن بر آن بود که خداوند کلید فهم دین را در عقل ما قرار داده است.»

محقق داماد با اشاره به اینکه «مسأله اخباری‌گری را هم باید ذیل نهاد اجتهاد مورد بررسی قرار داد» می‌گوید: «اجتهاد هم به معنای استنباط و استخراج احکام شریعت است. اما پرسش این است که ما برای رسیدن به این احکام چه راهی را باید برگزینیم. برخی از مجتهدان چنان وسعتی به عقل دادند که برای استخراج همه احکام شریعت، عقلانیت را مبنا قرار دادند و به اصحاب اجتهاد به رأی مشهور شدند. برای مثال مکتب حنفی به این مسیر رفت و همه امور را به دست عقل سپرد. نقل است که جناب ابوحنیفه رئیس مکتب حنفی تنها صحت ۱۷ حدیث نبوی را پذیرفته و بقیه احادیث را رد کرده و برای کشف امر شرعی به قیاس، استحسان و استنباط متوسل می‌شود و به عبارت مشهور اجتهاد به رأی می‌کند.»

وی مکتب حنبلی را نقطه مقابل مکتب حنفی می‌داند و می‌افزاید: «در برابر مکتب حنفی، مکتب حنبلی قرار دارد که همه امور را به اخبار و منقولات وابسته می‌سازد و همه چیز را به دست نقل می‌سپارد. اما مکتب امامیه از همان قرون اولیه و با رهنمودهای اهل بیت (ع) راه میانه‌ای را در پیش گرفت. البته در بطن مکتب امامیه نیز تشتت آراء وجود داشته است.»

این استاد اصول فقه در توضیح تکیه با اخبار و احادیث در مکتب تشیع می‌گوید: «برخی از بزرگان شیعه خود را در چارچوب منقولات و منصوبات پایبند کردند و به هیچ وجه اجازه ندادند برای تحصیل احکام شریعت، عقل دخالت کند. علمایی نظیر شیخ صدوق (ره) و شیخ مفید (ره) از همین دسته هستند که محور را به نقل و نص می‌دهند و بسیار نقلی می‌اندیشند. در برابر این دسته، گروه دیگری از علمای شیعی قرار دارند که مهم‌ترین آن‌ها شیخ طوسی (ره) است. ایشان کتابی با عنوان «المبسوط فی فقه الامامیه» دارد و در مقدمه آن تعبیر تندی را نسبت به مخالفان خویش به کار می‌برد و می‌گوید: «هؤلاء مقلده...» شیخ طوسی (ره) کسانی که تنها به اخبار عمل می‌کنند را مقلد می‌نامد و آن‌ها را مجتهد نمی‌داند. کتاب مبسوط مهم‌ترین اثر شیعه درباره اجتهاد در دوران غیبت کبری است.»

محقق داماد در توضیح اهمیت کار شیخ طوسی می‌گوید: «شیخ طوسی (ره) دو کار بسیار مهم انجام داده که به این توسعه در فقه شیعی منجر شده است. یکی اینکه پای عقل را بیشتر به این مباحث کشیده است و دیگری اینکه حجیت خبر واحد را پذیرفته است. پیش از شیخ طوسی (ره) علماء شیعی از پذیرش حجیت خبر واحد احتراز می‌کردند و در نتیجه دستشان برای کشف امر شرعی تنگ بود. اگر طوسی این حجیت را برای خبر واحد قائل نمی‌شد، ولو اینکه پای عقل را هم به میان آورده بودیم، اجتهاد نمی‌توانست تا این اندازه توسعه پیدا کند.»

محقق داماد با اشاره به اینکه «اخباری‌گری به عنوان یک مکتب را باید عکس‌العملی در برابر اجتهادهای رادیکال فقه‌های عصر صفوی در ایران دانست» تأکید می‌کند: «در دوره صفویه اجتهاد بسیار توسعه پیدا کرد به نحوی که مجتهدان دربار صفوی، کارهای پادشاهان را با اندیشه اجتهاد توجیه می‌کردند و فتوای بدیع صادر می‌کردند. برای مثال شاه اسماعیل صفوی تمایل داشت که در برابر او سجده کنند. یکی از فقه‌های شیعه که من نامش را نمی‌بردم کتابی تألیف کرد با عنوان «رسالة فی جواز السجود للانسان» و در آنجا توجیه فقهی می‌کند که سجده بر انسان هم می‌تواند جایز باشد.»

وی در این باره می‌افزاید: «به نظر می‌رسد شکل‌گیری مکتب اخباری‌گری یک حرکت سیاسی بر ضد این جریان اجتهاد افراطی در دوره صفویه بود. به این خاطر که تفکر سیاسی روز ارتباط وثیقی با اجتهاد داشته است، جناب استرآبادی مجبور می‌شود که رساله انتقادی خود را در خارج از کشور منتشر کند. به این ترتیب باید تفکر اخباری‌گری را موضعی در برابر فکر سیاسی مسلط در دوران صفویه ارزیابی کرد. این مسأله به عالم تشیع و ایران اختصاص ندارد. اتفاقاً در مذهب تسنن و در غرب جهان اسلام نیز

ابن حزم آندلسی که یک اروپایی است در برابر تفکر اجتهادی ابن رشد که در کتاب «بداية المجتهد و نهاية المقتصد» او مطرح می‌شود، ظاهرگرایی را مطرح و بر آن تأکید می‌کند.»

محقق داماد در توضیح فاجعه بار بودن ترک عقل یا نقل با اشاره به آیات قرآن چنین توضیح می‌دهد که: «در قرآن کریم یک آیه شگفت انگیز هست که در آن دوزخیان به مکالمه با یکدیگر مشغول هستند. این آیه بسیار عجیب و آموزنده است. در قرآن کریم آمده است: «ما سلککم فی سقر» به این معنا که چه چیزی باعث شد که شما جهنمی شدید؟ سپس می‌افزاید: «قالوا لو كنا نسمع او نعقل ما كنا من اصحاب السعير» به این معنا که اگر ما می‌شنیدیم یا تعقل می‌کردیم، اهل دوزخ نمی‌بودیم. در واقع اگر دوزخیان به منقولات (نسمع) و معقولات (نعقل) عمل می‌کردند، سرنوشت دیگری داشتند. کلمه «او» که در میانه «نسمع» و «نعقل» آمده است به قول ابن هشام برای تردید است و به این معنا است که دوزخیان اگر به معقولات بدون منقولات نیز عمل می‌کردند سزاوار آتش جهنم نمی‌شدند. یعنی هم بی‌عقلی و هم بی‌نقلی می‌تواند موجبات آتش دوزخ را فراهم آورد.»

وی در ادامه چنین نتیجه می‌گیرد که: «مسأله جمود فکری است که اهمیت دارد و نه اخباری‌گری. ما اخباری‌های میانه‌ای نظیر ملامحسن فیض کاشانی نیز داریم.»

*میزگرد فوق الذکر در صفحه ۱۳۲ تا ۱۳۴ از شماره ۳۸ مهرنامه با عنوان «اخباری‌گری لزوماً معاندت با عقلانیت نیست» منتشر شده است.